**علیه اخراج فاشیستی و نژاد پرستانه افغانستانی ها اعتراض کنیم!**

حمله وحشیانه و اخراج بیش از ١۴٠هزار نفر از پناهجویان و مهاجرین افغانستانی در ظرف یک هفته گذشته، این بار تحت نام «جاسوسان اسرائیل»، بار دیگر نشان می دهد که دم و دستگاه عریض و طویل نظامی و امنیتی رژیم جمهوری اسلامی که در برابر تجاوز نظامی اسرائیل /آمریکا بی خاصیت بود، عمدتا کارکرد سرکوب داخلی دارد.

طی دوازده روز جنگ تجاوزکارانه فاشیست های حاکم بر اسرائیل/آمریکا و تسخیر آسمان ایران برای بمب باران و کشتن تعداد زیادی از مردم غیر نظامی و ضربه به زیر ساخت ها، تو خالی بودنِ خط و نشان های سران و سلاطین رژیم را در اذهان عمومی عریان کرد. برای مردم آشکار شد که سازمان اطلاعات و امنیت رژیم و نیروهای سرکوبگرش، یعنی همان هایی که معترضین خیزش «زن زندگی آزادی» را سریعا شناسایی، دستگیر و به جرم آتش زدن سطل آشغال اعدام کردند، چگونه در برابر جنگ تروریست های اسرائیلی عاجز بودند. برای بسیاری از مردم بر دو مسئله مهم در این دوره جنگ دوازده روزه مهر تأیید زده شد: طبل تو خالی بودن رژیم و ماهیت فاشیستی اسرائیل/آمریکا.

رژیم جمهوری اسلامی برای لاپوشانی این واقعیت که جاسوسان اسرائیل در بالاترین مناسبِ سازمان اطلاعات و امنیت‌ اش عمیقا لانه کرده اند و برای سرپوش گذاشتن برعجز و حقارت خود، با اتکا بر نژاد پرستی عمومی در جامعه، ستمدیدگان افغانستانی را هدف قرار داده است. در عین هدف قرار دادن پناهجویان و مهاجرین افغانستانی، چوبه های دار خود را بیش از پیش بر پا کرده و بازداشت های فله ای بویژه در کردستان و بلوچستان را براه انداخته تا انتقام  بی کفایتی و ضعف خود را از تحتانی های جامعه بگیرد. تا بتواند با ساختن دشمن دروغین، حقارت خود را از اذهان عمومی دور سازد.

در این میان سلطنت طلب ها که تا دیروز از اسرائیل تقاضای انداختن بمب های بیشتر بر سر مردم داشتند و «خلاصی» از رژیم جمهوری اسلامی را وعده می دادند، امروز در قبال اخراج ستمدیگان افغانستانی برای رژیم فاشیست اسلامی، هورا می کشند و به رقص و پایکوبی می پردازند.

در میان خیل عظیم افغانستانی های اخراج شده، بسیاری افراد هستند که اساسا در ایران بدنیا آمده و در این جنهمی که جمهوری اسلامی ساخته با هزار مشقت و توهین و تحقیر بزرگ شده اند و هرگز افغانستان را ندیده اند. اکثریتی از زنان افغانستانی اخراج شده، همان زنانی هستند که در ایران در خیاط خانه ها، کارگاههای بسته بندی، کوره پز خانه ها و...، روزانه به بیش از ١٢ساعت کارطاقت  فرسا برای تأمین سرپناه و لقمه ای نان، تن می دادند. در میان اخراجی ها، زنان و نوجوانانی هستند که در مدارس عالی و دانشگاه ها تحصیل می کردند و کودکان دختری که با درآمد ناچیز مادر و پدرشان قادر شده بودند پس از عبور از هفت خوان نژاد پرستی در آموزش و پرورش، به مدرسه راه یابند و درس بخوانند. یک چهارم این رد مرز شده ها را کودکانی تشکیل می دهند که در محیط های کاری و خیابان، بازداشت شده اند و آنان را بی خبر و جدا از خانواده، به تنهایی با سرنوشتی نا معلوم، روانۀ افغانستان کرده اند...؛ همه این زنان، نوجوانان و کودکان، با اجبار و سرکوبِ طالبانِ زنستیز ایران به دست طالبان ضد زن افغانستان سپرده شدند. در نتیجه، رد مرز صدها هزار افغانستانی، بویژه برای زنان، تحت حاکمیت امارت اسلامی طالبان، عواقب بس خطرناکی را در پی خواهد  داشت.

اما در این شرایط، شرایطی که زندگی بیش از صد و چهل هزار نفر افغانستانی در عرض یک هفته با رد مرز به خطر جدی افتاده و این روند کماکان ادامه دارد، سکوت بخشی از فعالین و تشکلات حوزه های گوناگون از جمله زنان، همراهی کردن با این جنایت تاریخی است. ما بارها و بارها بر این واقعیت پافشاری کرده ایم که چشم بستن و سکوت در برابر هر ظلم و ستم و جنایتی، هم چون نسل کشی فلسطینی ها در غزه و اخراج وحشیانه و شتابزدۀ صدها هزار افغانستانی از ایران؛ علاوه بر همراهی، تقویت و کمک بر گسترده تر شدن ظلم و ستم و جنایات ستمگران است.

در این اوضاع از همه آزادیخواهان و مبارزین، جنبش کارگری، هنرمندان، معلمان، بازنشستگان، زنان\*، دانشجویان و...؛ انتظار می رود که فعالانه و با ابتکارات و خلاقیت های گوناگون، اعتراضات، تجمعات و تظاهرات پیوسته خیابانی را در برابر اخراج فاشیستی و نژاد پرستانه افغانستانی ها توسط رژیم جمهوری اسلامی و متحدین اش: سلطنت طلب ها و سایر راست های افراطی؛ سازماندهی کنند و اجازه ندهند جمهوری اسلامی و متحدین ریز و درشت اش با اشاعه «ملی گرایی» و «وطن پرستی» افراطی، به افغان ستیزی و دیگر ستیزی در میان مردم دامن بزنند و به تفرقه افکنی بپردازند.

مبارزه در مقابل رژیم شونیست جمهوری اسلامی و ایستادن در کنار ستمدیدگان افغانستانی و مانع شدن از اخراج آنان، از یک طرف، اهداف پلید و کثیف رژیم را برهم می زند و از طرف دیگر به همبستگی و اتحادی گسترده تر برای مقابله با سرکوب های وحشیانه رژیم در این دوره خاص به تمامی اقشار تحت ستم هم چون: ملیت های تحت ستم کرد، بلوچ، عرب، زندانیان سیاسی، کوییر ها، زنان و...؛ خدمت می کند. پیشبرد این مبارز به فشرده تر شدن و رادیکال شدن صفوف مبارزاتی در خدمت به سرنگونی انقلابی رژیم فاشیست جمهوری اسلامی بویژه در شرایط کنونی که موقعیت اش تضعیف شده است، یاری  می رساند.

**سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)**

**١٠ تیر ١۴٠۴/ ١ ژوئیه ٢٠٢۵**